یک سال از فقدان ظاهری سید عزیز می‌گذرد، او چگونه در لبنان و منطقه بنیانی فراگیر ضدسلطه ساخت؟

سلاح ابدی مقاومت

عکاس: عرفان کاووکی | فرهیختگان

به مناسبت اولین سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله و سیدهاشم صفی‌الدین نگاهی جامع به تحولات تاریخی لبنان در چهار مقطع کلیدی داشته‌ایم که نقش بی‌بدیل حزب‌الله را در شکل‌دهی به امنیت و هویت ملی این کشور نشان می‌دهد. از دهه‌های پرآشوب پیش از تأسیس حزب‌الله، که لبنان زیر بوغ اشغال رژیم صهیونیستی و بحران‌های داخلی رنج می‌برد، تا دوران بازسازی کنونی. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، لبنان شاهد حملات بی‌امان رژیم صهیونیستی بود که با فقر، محاصره و کشتار غیرنظامیان همراه شد. خاطرات شهید مصطفی چمران از این دوره، تصاویری تکان‌دهنده از رنج مردم و تلاش آزادگان برای حمایت از محروم‌ان ارائه می‌دهد. با تأسیس حزب‌الله در سال ۱۹۸۲ و سازماندهی آن در سال ۱۹۸۵ تحت رهبری سیدعباس موسوی، لبنان گامی به سوی مقاومت سازمان‌یافته برداشت. دوران دیبرکلی سیدحسن نصرالله از سال ۱۹۹۲، نقطه‌عطفی بود که با آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و پیروزی در جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶، حزب‌الله را به نماد بازدارندگی تبدیل کرد. در جنگ ۲۰۲۳ غزه، حزب‌الله با حمایت از فلسطین، قدرت فراسرزمینی خود را نشان داد. پس از شهادت سیدحسن نصرالله و سیدهاشم صفی‌الدین در سال ۲۰۲۴، علی رغم فشارهای سنگین، حزب‌الله با بازسازی ساختار و پیروزی در انتخابات شوراها، سرمایه اجتماعی خود را تقویت کرد و پروژه خلع سلاح را ناکام گذاشت. این دوره، نشان‌دهنده قدرت ساختاری حزب‌الله است که علی‌رغم شهادت رهبرش و فشارهای خارجی، توانسته سرمایه اجتماعی خود را افزایش دهد و در برابر تلاش‌ها برای تضعیف ایستادگی کند. مقاومت در برابر ایده تحمیلی خلع سلاح و پیروزی در انتخابات شوراها، واقعیتی است که روایت تضعیف حزب‌الله را رد می‌کند و نشان می‌دهد چگونه این گروه توانسته ساختار خود را احیا و نقش بازدارنده‌اش را حفظ کند.

وضعیت لبنان پیش از پیدایش حزب‌الله: دوران آشوب، اشغال و مقاومت اولیه

لبنان در دهه‌های پیش از تشکیل حزب‌الله، کشوری بود که در بحران‌های عمیق امنیتی، سیاسی و اجتماعی غرق شده بود. این دوران، که از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ را در بر می‌گیرد، با حضور فزاینده نیروهای خارجی، درگیری‌های داخلی و حملات مکرر رژیم صهیونیستی همراه بود. شهید مصطفی چمران، یکی از چهره‌های برجسته این دوره، با دست‌نوشته‌های خود تصویری زنده از رنج‌های مردم لبنان ارائه می‌دهد، او که در دو سرکوب و کنتل علمی در آمریکا بود، در سال ۱۹۶۷ میلادی، برابر با ۱۳۴۶ شمسی، به لبنان سفر کرد تا در کنار مبارزان لبنانی علیه رژیم صهیونیستی قرار گیرد. یکی از نخستین خاطرات شهید چمران مربوط به مه ۱۹۶۷ میلادی، برابر با ۱۳۴۶ شمسی است. او به دستور امام موسی صدر مأمور شد تا به منطقه بُرج البراجنه برود و مدارکی آرد، برنج، شکر و غیره از شیعیان را میان مردم تقسیم کند. چمران در توصیف وضعیت این منطقه نوشت: «هیچ‌کس نمی‌توانست از منطقه خارج شود و هر روز تعدادی از مسلمانان در عبور از این ناحیه کشته می‌شدند. فقر و گرسنگی به اوج رسیده بود و شاید ۹۰ درصد مردم از این منطقه طوفان‌زده گریخته بودند. شهر بعبدا‌ران‌شده، مصیبت‌زده و زجر دیده بود و شب و روز مورد تجاوز و بمباران قرار می‌گرفت.»

در سال‌های بعد، تهدیدات رژیم صهیونیستی علیه لبنان ادامه یافت. شهید چمران در ۲۲ اکتبر ۱۹۷۱ میلادی نوشته است: «در هواپیمای میراژ اسرائیلی از ارتفاع کم بر فراز مدرسه گذشتند و دیوار صوتی را شکستند. تمام شیشه‌های ساختمان به لرزه درآمد و شاگردان به بیرون ریختند.» چمران اشاره می‌کند که این اولین بار نیود؛ هواپیماهای اسرائیلی بارها آسمان صور را با دود سفید خود نقش می‌زدند یا صدای شکننده‌شان را در ورای ابرها اضطراب ایجاد می‌کرد. این حملات هوایی، بخشی از استراتژی رژیم صهیونیستی برای ایجاد ترس مداوم در میان مردم لبنان بود، رژیمی که پس از شکست ارتش‌های عربی در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، رویای گسترش سرزمین‌های خود را از لبنان آغاز کرده بود.

وضعیت فلسطینی‌ها در این دوره و پس از آن، حزب‌الله را واقعاً تحت فشار قرار می‌داد، اما خبرهای جدی و واقعی نشان می‌دهد که سازمان رزم حزب‌الله تا حد زیادی سازمانی را شکل داده است. ایده خلع سلاح به یا اعمال فشار خارجی و مجبور کردن دولت لبنان دنبال می‌شود، هنوز پیاده‌سازی نشده و ظرفیت اجتماعی حزب‌الله به طور روزافزونی رشد داشته است. پیروزی مطلق در انتخابات شوراهای لبنان اخیراً تصویر کاملی از افزایش ظرفیت اجتماعی و قدرت سیاسی و مردمی حزب‌الله ارائه می‌دهد. این قدرت باعث می‌شود جلو هرگونه اقدام سیاسی برای از بین بردن جریان مقاومت در لبنان گرفته شود و سایه تهدید آن بر سر رژیم صهیونیستی مطرح باقی بماند.

شیخ نعیم قاسم تمرکز خود را روی سیاست داخلی لبنان گذاشته و مسیری که حزب‌الله هدایت کرده در یک سال حزب‌الله را کاملاً بازسازی کرده است. نشانه آن، انتخابات شوراها بود و ناکامی پروژه خلع سلاح که آن تعلیق شده است. در حالی که دولت لبنان تحت فشار آمریکا خلع سلاح حزب‌الله را دنبال می‌کرد، انتخابات محلی اخیراً نشان داد که آن را اجرا نمی‌کند. مهم‌ترین دلیلش این است که بین ۶ و ۹۲ درصد تا نیمی از ارتش لبنان را شیعیان تشکیل می‌دهند که از طرف پارلمان بشدت حامی خلع سلاح حزب‌الله هستند. ساختار ارتش در تقابل با نیروهای خودش قرار می‌گیرد. این یعنی در عمل خلع سلاح اجتماعشدنی نیست، اما دولت لبنان برای اینکه دستاویزی سیاسی داشته باشد و به آمریکا بگوید به دستور آمریکا برای خلع سلاح حزب‌الله عمل کرده است سعی را تصویب کرده که در عمل اصلاً قابلیت اجرایی ندارد.

بسزرگ و هجرتی دردناک به جنوب و بعلبک بود. احزاب چپ و مقاومت، روزنامه‌ها و رادیوهایشان امام موسی را مسئول سقوط نبعه خواندند و طوفان تبلیغات زهرآگین و غرض‌آلود، همراه با فحش، تهمت و دروغ شروع شد. بسه جوانان حرکت محرومین در جنوب و بیروت حمله کردند. همه احزاب و سازمان‌ها یکجا قانون گذاشتند که حرکت محرومین را تصفیه کنند. در جنوب زده و خورده‌ای درگرفت و در بیروت نیز عده‌ای از بچه‌های ما را گرفتند و خانه‌هایشان را غارت کردند... در بسیاری از شهرهای دیگر، بچه‌های ما آزار زیادی دیدند ولی صبر کردند. در سپتامبر ۱۹۷۶ میلادی، چمران برای اولین بار به همراه یکی از دوستانش به نبعه رفت و در توصیف وضعیت این منطقه پس از سقوط نوشت: «چه دنیای عجیبی بود! دلم گرفت، روحم پژمرد و از فقر و بینوایی محرومین نبعه غمگین و ناراحت شدم.»

در ۱۰ ژانویه ۱۹۷۸ میلادی، چمران از ترور و وحشت نوشت: «چنان سایه زور و ظلم و وحشت بر منطقه سیطره افکنده است که جای تصور نیست. چقدر وحشتناک است که شب و روز در انتظار مرگ زیستن، اخبار وحشتناک شنیدن، هر لحظه منتظر مسلحی با کلوله آتشین بودن؛ در هر راهی، در پیچ هر جاده‌ای، زیر هر درختی، در زاویه هر خانه‌ای در انتظار کمین دشمن بودن، از هر صدایی از جا پریدن، از هر تازه‌واردی وحشت کردن، از هر حرکت غیرمترقبه‌ای لرزیدن، از هر نقطه سیاهی، از هر صدای غریبی، از هر نگاه ناآشنایی وحشت کردن...» این کلمات، جو وحشتناک حاکم بر لبنان را ترسیم می‌کنند. این خاطرات شهید چمران، بخشی از وضعیت کلی لبنان در دهه ۱۹۷۰ بودند.

در مارس ۱۹۷۸ میلادی، ارتش رژیم صهیونیستی عملیات بزرگی به نام لیتانی پیشروی کردند و مناطق وسیعی از جنوب لبنان را اشغال کردند. بیروت نزدیک به سه ماه در محاصره کامل نظامیان ارتش رژیم صهیونیستی قرار گرفت. این عملیات علاوه شهادت و زخمی شدن صدها نفر از غیرنظامیان لبنانی و منجر به آوارگی گسترده در میان جمعیت جنوب لبنان شد. پس از این عملیات، رژیم صهیونیستی با ایجاد منطقه حائل در جنوب لبنان سعی کرد کنترل خود را حفظ کند و ارتش لبنان جنوبی را تحت رهبری سعد حداد و با حمایت صهیونیست‌ها تأسیس کرد. این گروه به عنوان یک نیروی شبه‌نظامی طرفدار رژیم اشغالگر عمل می‌کرد و در سرکوب و کنترل مناطق جنوبی نقش مهمی داشت.

در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، مرزهای جنوبی لبنان به نقطه بحران دائم تبدیل شد. درگیری‌های کوچک و بزرگ با رژیم صهیونیستی ادامه داشت و به حملات توپخانه‌ای و هوایی به مناطق مسکونی لبنان منجر می‌شد. این دوره، لبنان را در بی‌ثباتی عمیق فرو برد.

در سال ۱۹۸۲ میلادی، پیش از حمله اصلی به لبنان، ارتش رژیم صهیونیستی حملات هوایی گسترده‌ای به بیروت و مناطق اطراف انجام داد. رژیم صهیونیستی در ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ به بیروت وارد شد و بخش غربی این شهر را تصرف کرد. با ورود نیروهای صهیونیستی، قحطه کشتار صبرا و شتیلا رخ داد. نیروهای شبه‌نظامی فالانژ لبنان، تحت نظارت نیروهای صهیونیستی، به اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی حمله کردند و صدها غیرنظامی را کشتند. آریل شارون، وزیر جنگ وقت رژیم صهیونیستی که بعدها نخست‌وزیر شد، از دل بیروت لبنان گزارشات را سازماندهی کرد. جرج اورول، مستند‌ساز هلندی، صحنه‌ای را توصیف کرد که شاون کلت کمره‌ای اش را بیرون کشید و دو کودک فلسطینی در حال فرار را از فاصله نزدیک هدف قرار داد. این تصویر بیروت، تخستین بار بود که رژیم صهیونیستی تا این حد به یک پایتخت عربی نفوذ کرد. این رویدادها، اوج ناامنی لبنان پیش از حزب‌الله را نشان می‌دهد، جایی که اشغالگری رژیم صهیونیستی بدون مقاومت سازمان‌یافته ادامه داشت.

تحول در وضعیت لبنان پس از پیدایش حزب‌الله: دوران رهبری سیدعباس موسوی

با حمله رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ میلادی و اشغال نیمی از خاک این کشور، زمینه برای ظهور یک نیروی مقاومت جدید فراهم شد. این حمله نقطه‌عطفی بود که شکست گروه‌های فلسطینی، احزاب چپ لبنان، نظریه‌های مالی‌گرایی چین جنبش در خاک فلسطین اشغالی به چیز را برجسته کرد. در این شرایط، حزب‌الله لبنان در سال ۱۹۸۲ تشکیل شد و در سال ۱۹۸۵ سازماندهی مجدد گروه‌ها و نام رسمی یافت. این جنبش از جنبش اهل اسلامی منشعب شد و به حزب‌الله لبنان تبدیل گشت. سیدعباس موسوی در فوریه ۱۹۸۵ موجودیت حزب‌الله را اعلام کرد و بسیاری از شیعیان به آن پیوستند. منطقه حزب‌الله با اشغالگران صهیونیست در دهه ۸۰ میلادی بخاطر محبوب شدن آن در میان بخش‌هایی از مردم لبنان گردید، هرچند هنوز با مقبولیت گسترده فاصله داشت، زیرا جنگی نازه‌تأسیس بود.

در مارس ۱۹۸۵ میلادی، ارتش رژیم صهیونیستی عملیات بزرگی به نام عملیات لیتانی را در جنوب لبنان آغاز کرد. نیروهای صهیونیستی تا رودخانه لیتانی پیشروی کردند و مناطق وسیعی از جنوب لبنان را اشغال کردند. بیروت نزدیک به سه ماه در محاصره کامل نظامیان ارتش رژیم صهیونیستی قرار گرفت. این عملیات باعث شهادت و زخمی شدن صدها نفر از غیرنظامیان لبنانی و منجر به آوارگی گسترده در میان جمعیت جنوب لبنان شد. پس از این عملیات، رژیم صهیونیستی با ایجاد منطقه حائل در جنوب لبنان سعی کرد کنترل خود را حفظ کند و ارتش لبنان جنوبی را تحت رهبری سعد حداد و با حمایت صهیونیست‌ها تأسیس کرد. این گروه به عنوان یک نیروی شبه‌نظامی طرفدار رژیم اشغالگر عمل می‌کرد و در سرکوب و کنترل مناطق جنوبی نقش مهمی داشت.

در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، مرزهای جنوبی لبنان به نقطه بحران دائم تبدیل شد. درگیری‌های کوچک و بزرگ با رژیم صهیونیستی ادامه داشت و به حملات توپخانه‌ای و هوایی به مناطق مسکونی لبنان منجر می‌شد. این دوره، لبنان را در بی‌ثباتی عمیق فرو برد.

در سال ۱۹۸۵ میلادی، با ادامه مقاومت، رژیم صهیونیستی مجبور به عقب‌نشینی از صیدا و بسیاری از مناطق جنوبی لبنان شد. پس از این عقب‌نشینی، رژیم صهیونیستی منطقه‌ای موسوم به «منطقه امنیتی» در جنوب لبنان ایجاد کرد و به حضور نظامی خود در بخش‌هایی از جنوب ادامه داد. این منطقه حدود ۸۰۰ کیلومتر مربع، تقریباً هشت درصد از مساحت لبنان بود که در امتداد مرز با فلسطین اشغالی ادامه داشت و به پنج تا بیست کیلومتر در اعماق لبنان می‌رسید. این عقب‌نشینی، گامی بود که به تثبیت مقاومت حزب‌الله و تقویت نیروهای آن کمک کرد. در همین سال، حزب‌الله با نام‌گذاری رسمی سازمانده‌ی مجدد شد.

در سال ۱۹۹۰ میلادی، در جریان درگیری‌های مستمر، رژیم صهیونیستی طی عملیات‌های مختلف و با فشار فزاینده حزب‌الله، برخی مواضع خود در مناطق جنوبی مانند شهر صور را ترک کرد. هرچند این خروج کامل نبود، اما نشانه‌ای از ضعف تدریجی ارتش رژیم صهیونیستی در مواجهه با مقاومت بود. این دوره، حزب‌الله را به عنوان نیرویی که قادر به تغییر معادلات است معرفی کرد. موانع مهمی بر سر راه موفقیت حزب‌الله وجود داشت، اما مقابله مداوم آن با اشغالگران، پایه‌های آن را محکم کرد.

سیدعباس موسوی تا سال ۱۹۹۲ میلادی رهبری حزب‌الله را بر عهده داشت و در این دوران، حزب‌الله توانست ساختار اولیه خود را تثبیت کند و در برابر فشارهای داخلی و خارجی ایستادگی کند. ترور سیدعباس موسوی به دست نیروهای نظامی اسرائیل در سال ۱۹۹۲، پایان این دوره بود و سیدحسن نصرالله به مقام دبیرکلی رسید. این دوره، پایه‌گذار تحولات بعدی حزب‌الله بود که لبنان را از اشغال تدریجی نجات داد.

وضعیت لبنان پس از آغاز دبیرکلی سیدحسن نصرالله: دوران بلوغ نظامی، سیاسی و پیروزی‌های تاریخی

با ترور سیدعباس موسوی در سال ۱۹۹۲ میلادی به دست نیروهای نظامی اسرائیلی، سیدحسن نصرالله به مقام دبیرکلی حزب‌الله لبنان رسید. این تغییر رهبری، آغاز مرحله جدیدی از بلوغ نظامی و سیاسی حزب‌الله بود. پس از پایان جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۹۰، حزب‌الله وارد عرصه توسعه همه‌جانبه تجهیزات نظامی و همچنین سیاسی شد. در نخستین دوره به میدان سیاست، در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۴ تا ۱۲ کاندیدا شرکت کرد که تمام کاندیداهای این جنبش به پارلمان راه یافتند. این موفقیت، نشان‌دهنده رشد سیاسی حزب‌الله بود.

مهم‌ترین نقطه‌عطف در این دوره، پایان اشغال جنوب لبنان از وجود رژیم صهیونیستی و پیروزی ارتش جنوب تحت فرماندهی آن توسط حزب‌الله اشغالگران صهیونیست جنوب لبنان را تصرف کرده بودند و تا سال ۲۰۰۰ حزب‌الله به عقب‌نشینی تهاجمی نبودند. مقاومت لبنان بر عزم خود برای ادامه مبارزه تا آزادسازی کامل سرزمین لبنان تأکید کرد. با ادامه مقاومت، رژیم صهیونیستی مجبور شد در ۲ ژوئن ۱۹۹۹ از منطقه جنوب عقب‌نشینی کند. رژیم صهیونیستی اعلام کرد که در نهایت در ۷ ژوئیه سال ۲۰۰۰ به صورت یک‌جانبه از خاک لبنان خارج می‌شود؛ که مهم تأییدی بر اولین شکست کامل نظامی رژیم صهیونیستی در طول جنگ با اعراب بود و پایان اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش آن و اثبات حقانیت حزب‌الله و مقاومت در برابر اشغالگری را نشان داد. با افزایش حملات مقاومت اسلامی و نیروهای مقاومت علیه مواضع ارتش رژیم صهیونیستی، خروج نیروهای صهیونیست چهل و پنج روز زودتر از موعد مقرر انجام شد. از ۲۱ مه ۲۰۰۰، پس از اجرای چندین عملیات توسط رزمندگان مقاومت اسلامی بر ضد هنگ مقتدم نیروهای آنتوان لحد در مناطق علمان، شومره و عثیرون و شکست‌های سنگینی که به آن‌ها وارد آمد، عقب‌نشینی نیروهای رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان آغاز شد. حزب‌الله با این پیروزی در قدرت نیروبی نجات‌بخش در لبنان معرفی شد.

در قرن بیست و یکم، حزب‌الله قدرت فراسرزمینی خود را نشان داد. نقطه شروع عملیات‌های بین جنبش در خاک فلسطین اشغالی به چیز را برجسته کرد. در سال ۲۰۰۰ بود. نخستین رشته عملیات‌ها، اقدام برای گرفتن گروگان از نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی جهت آزادی زندانیان این گروه و جنبش‌های مقاومت بود. در سال ۲۰۰۰ میلادی، حزب‌الله لبنان عملیات در مزارع شبعا در جنوب لبنان، سه سرباز اسرائیلی را به اسارت گرفت و در بیروت نیز یک مرکز اسرائیلی را بازداشت کرد. رژیم صهیونیستی در برابر تحویل این افراد، شماری از شهروندان لبنانی و چهارصد فلسطینی را آزاد کرد و پیکر ۵۹ شهید مقاومت را تحویل داد.

مقاومت و بازدارندگی نظامی حزب‌الله از سال ۲۰۰۰ افزایش یافت و در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ با حزب‌الله‌نمور با شکست دادن ارتش صهیونیستی حرد رانشان داد. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای نظامی حزب‌الله در این جنگ، انهدام نوچه نظامی رژیم صهیونیستی و شکست این رژیم در توافق آزادی اسرا بود که سبب شد ایهود اولمرت، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، استعفا کند. در سال ۲۰۰۶، حزب‌الله توانست طی جنگ ۳۳ روزه در برابر حمله گسترده رژیم صهیونیستی مقاومت کند و عملاً به عنوان نیروی بازدارنده در لبنان شناخته شود. از سال ۲۰۰۶ به بعد، میزان حملات مستقیم رژیم صهیونیستی به خاک لبنان کاهش یافت. این کاهش تا حد زیادی به خاطر نقش بازدارنده حزب‌الله و ترس این رژیم از واکنش‌های آن بوده است.

حزب‌الله با ایجاد پایگاه‌های دفاعی در مرزها، کنترل مؤثری بر مناطق جنوب لبنان دارد و این موضوع باعث شده رژیم صهیونیستی در موارد متعددی از حملات هوایی یا زمینی خودداری کند.

یکسی از مهم‌ترین عرصه‌های افزایش قدرت نظامی حزب‌الله پس از چهار دهه عملکرد، ورود این نیرو به سوریه برای مقابله با نیروهای تکفیری و داعش بود. زمانی که نیروهای جبهه النصره و داعش در منطقه عرسال لبنان و القنیطره سوریه تهدیدی برای مردم لبنان و سوریه بودند، نخستین عملیات موفق نیروهای مقاومت در سوریه با هدایت نیروهای حزب‌الله در منطقه قلمون اتفاق افتاد که بعدها به آزادی بیش از ۶ شصت درصد خاک سوریه منجر شد. سید حسن نصرالله در سخنرانی سال ۲۰۱۲ میلادی گفت که ما در سوریه دخالت کردیم و آن را به صراحت بیان کردیم و پنهان نکردیم. ما جوانان‌مان را به سوریه نفرستادیم که بگوییم بزو و شیر توزیع می‌کنیم و اگر کشته شدند آن‌ها را در سوریه دفن کنیم و خانواده‌شان را در لبنان ساکت کنیم. سید حسن نصرالله با این تعبیر به حضور سعودی‌ها در سوریه و کمک آن‌ها به تروریست‌ها در پوشش توزیع مواد غذایی کنایه زد. ورود حزب‌الله به سوریه با پیروزی بزرگی برای این گروه و محور مقاومت همراه بود و باعث شد نیروهای تکفیری در سوریه و بخشی از لبنان تقریباً با شکست کامل روبه‌رو شوند.

توان موشکی حزب‌الله در این چهار دهه بسیار افزایش یافته و نکته قابل توجه، بومی‌سازی این تسلیحات و خودکفایی مقاومت در عرصه تأمین تجهیزات مورد نیاز نظامی است. همین توانایی باعث شده ایده خلع سلاح حزب‌الله، حتی اگر به لحاظ سیاسی محقق شود، به لحاظ فنی اجرایی نباشد. پس از جنگ ۳۳ روزه که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت دولت بوش، آن را «زایمان خودزمانه» می‌خواند و جنگ داخلی سوریه که با مشارکت اتباع بسیاری از کشورها به وقوع پیوست، آمریکایی‌ها وارد مرحله تحریم‌های اقتصادی علیه حزب‌الله شدند. آن زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ در کاخ سفید، لبنان با تحریم‌های سنگین اقتصادی و مالی روبه‌رو شد. هرتا جو و شرکتی که کوچک‌ترین ارتباط با موافقت در بیان با حزب‌الله داشت، مورد تحریم قرار گرفت. حزب‌الله برای رفع بخشی از مشکلات، به واردات میعانات نفتی به لبنان اقدام کرد که باعث تغییر معادلات تحریم شد. پس از شهادت سید حسن، مردم لبنان با به میدان آمدن، توانستند قدم بزرگی در راه رفع تحریم‌های اقتصادی امیدوار کرد. این نخستین قدم حزب‌الله برای رفع مشکلات اقتصادی مردم لبنان بود.

دومین قدم، حضور برگ حزب‌الله در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ و درخواست سیدحسن نصرالله از دولت برای استخراج نفت و گاز از میادین دریایی بود. دبیرکل حزب‌الله در سخنرانی‌های متعدد قبل از انتخابات گفته بود به دنبال استخراج گاز و نفت از میادین دریایی هستیم تا مشکل سوخت مردم لبنان حل شود و ملت این کشور بتوانند در رفاه زندگی کنند. سیدحسن نصرالله به لحاظ سیاسی و اجتماعی تحولاتی ایجاد کرد از خود وجهه‌ای کاملاً مطلوبی ارائه داد. این دوره، حزب‌الله را به عنوان نیرویی که نه تنها امور نظامی بلکه ثبات سیاسی و اقتصادی لبنان را تقویت می‌کند، تثبیت کرد.

وضعیت لبنان در ایام جنگ ۲۰۲۳ و پس از شهادت سیدحسن نصرالله

در سال ۲۰۲۳ میلادی، حزب‌الله دامنه موضع تدافعی خود را تا غزه گسترش داد. در حالی که حزب‌الله همواره به عنوان بازوی نظامی لبنان و ابزار تدافعی در برابر رژیم صهیونیستی مطرح بود، در جنگ رژیم صهیونیستی با غزه، برای حمایت از مردم غزه و کاهش تمرکز رژیم صهیونیستی بر این باریکه لبنان و القنیطره سوریه تهدیدی برای مردم لبنان و سوریه بودند، نخستین عملیات موفق نیروهای مقاومت در سوریه با هدایت نیروهای حزب‌الله در منطقه قلمون اتفاق افتاد که بعدها به آزادی بیش از ۶ شصت درصد خاک سوریه منجر شد. سید حسن نصرالله در سخنرانی سال ۲۰۱۲ میلادی گفت که ما در سوریه دخالت کردیم و آن را به صراحت بیان کردیم و پنهان نکردیم. ما جوانان‌مان را به سوریه نفرستادیم که بگوییم بزو و شیر توزیع می‌کنیم و اگر کشته شدند آن‌ها را در سوریه دفن کنیم و خانواده‌شان را در لبنان ساکت کنیم. سید حسن نصرالله با این تعبیر به حضور سعودی‌ها در سوریه و کمک آن‌ها به تروریست‌ها در پوشش توزیع مواد غذایی کنایه زد. ورود حزب‌الله به سوریه با پیروزی بزرگی برای این گروه و محور مقاومت همراه بود و باعث شد نیروهای تکفیری در سوریه و بخشی از لبنان تقریباً با شکست کامل روبه‌رو شوند.

توان موشکی حزب‌الله در این چهار دهه بسیار افزایش یافته و نکته قابل توجه، بومی‌سازی این تسلیحات و خودکفایی مقاومت در عرصه تأمین تجهیزات مورد نیاز نظامی است. همین توانایی باعث شده ایده خلع سلاح حزب‌الله، حتی اگر به لحاظ سیاسی محقق شود، به لحاظ فنی اجرایی نباشد. پس از جنگ ۳۳ روزه که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت دولت بوش، آن را «زایمان خودزمانه» می‌خواند و جنگ داخلی سوریه که با مشارکت اتباع بسیاری از کشورها به وقوع پیوست، آمریکایی‌ها وارد مرحله تحریم‌های اقتصادی علیه حزب‌الله شدند. آن زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ در کاخ سفید، لبنان با تحریم‌های سنگین اقتصادی و مالی روبه‌رو شد. هرتا جو و شرکتی که کوچک‌ترین ارتباط با موافقت در بیان با حزب‌الله داشت، مورد تحریم قرار گرفت. حزب‌الله برای رفع بخشی از مشکلات، به واردات میعانات نفتی به لبنان اقدام کرد که باعث تغییر معادلات تحریم شد. پس از شهادت سید حسن، مردم لبنان با به میدان آمدن، توانستند قدم بزرگی در راه رفع تحریم‌های اقتصادی امیدوار کرد. این نخستین قدم حزب‌الله برای رفع مشکلات اقتصادی مردم لبنان بود.

دومین قدم، حضور برگ حزب‌الله در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ و درخواست سید حسن نصرالله از دولت برای استخراج نفت و گاز از میادین دریایی بود. دبیرکل حزب‌الله در سخنرانی‌های متعدد قبل از انتخابات گفته بود به دنبال استخراج گاز و نفت از میادین دریایی هستیم تا مشکل سوخت مردم لبنان حل شود و ملت این کشور بتوانند در رفاه زندگی کنند. سید حسن نصرالله به لحاظ سیاسی و اجتماعی تحولاتی ایجاد کرد از خود وجهه‌ای کاملاً مطلوبی ارائه داد. این دوره، حزب‌الله را به عنوان نیرویی که نه تنها امور نظامی بلکه ثبات سیاسی و اقتصادی لبنان را تقویت می‌کند، تثبیت کرد.

وضعیت لبنان در ایام جنگ ۲۰۲۳ و پس از شهادت سیدحسن نصرالله

در سال ۲۰۲۳ میلادی، حزب‌الله دامنه موضع تدافعی خود را تا غزه گسترش داد. در حالی که حزب‌الله همواره به عنوان بازوی نظامی لبنان و ابزار تدافعی در برابر رژیم صهیونیستی مطرح بود، در جنگ رژیم صهیونیستی با غزه، برای حمایت از مردم غزه و کاهش تمرکز رژیم صهیونیستی بر این باریکه لبنان و القنیطره سوریه تهدیدی برای مردم لبنان و سوریه بودند، نخستین عملیات موفق نیروهای مقاومت در سوریه با هدایت نیروهای حزب‌الله در منطقه قلمون اتفاق افتاد که بعدها به آزادی بیش از شصت درصد خاک سوریه منجر شد. تداوم حملات رژیم صهیونیستی به لبنان و سوریه، تمرکز رژیم صهیونیستی را بر این باریکه لبنان و القنیطره سوریه تهدیدی برای مردم لبنان و سوریه بودند، نخستین عملیات موفق نیروهای مقاومت در سوریه با هدایت نیروهای حزب‌الله در منطقه قلمون اتفاق افتاد که بعدها به آزادی بیش از شصت درصد خاک سوریه منجر شد. سید حسن نصرالله در سخنرانی سال ۲۰۱۲ میلادی گفت که ما در سوریه دخالت کردیم و آن را به صراحت بیان کردیم و پنهان نکردیم. ما جوانان‌مان را به سوریه نفرستادیم که بگوییم بزو و شیر توزیع می‌کنیم و اگر کشته شدند آن‌ها را در سوریه دفن کنیم و خانواده‌شان را در لبنان ساکت کنیم. سید حسن نصرالله با این تعبیر به حضور سعودی‌ها در سوریه و کمک آن‌ها به تروریست‌ها در پوشش توزیع مواد غذایی کنایه زد. ورود حزب‌الله به سوریه با پیروزی بزرگی برای این گروه و محور مقاومت همراه بود و باعث شد نیروهای تکفیری در سوریه و بخشی از لبنان تقریباً با شکست کامل روبه‌رو شوند.

توان موشکی حزب‌الله در این چهار دهه بسیار افزایش یافته و نکته قابل توجه، بومی‌سازی این تسلیحات و خودکفایی مقاومت در عرصه تأمین تجهیزات مورد نیاز نظامی است. همین توانایی باعث شده ایده خلع سلاح حزب‌الله، حتی اگر به لحاظ سیاسی محقق شود، به لحاظ فنی اجرایی نباشد. پس از جنگ ۳۳ روزه که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت دولت بوش، آن را «زایمان خودزمانه» می‌خواند و جنگ داخلی سوریه که با مشارکت اتباع بسیاری از کشورها به وقوع پیوست، آمریکایی‌ها وارد مرحله تحریم‌های اقتصادی علیه حزب‌الله شدند. آن زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ در کاخ سفید، لبنان با تحریم‌های سنگین اقتصادی و مالی روبه‌رو شد. هرتا جو و شرکتی که کوچک‌ترین ارتباط با موافقت در بیان با حزب‌الله داشت، مورد تحریم قرار گرفت. حزب‌الله برای رفع بخشی از مشکلات، به واردات میعانات نفتی به لبنان اقدام کرد که باعث تغییر معادلات تحریم شد. پس از شهادت سید حسن، مردم لبنان با به میدان آمدن، توانستند قدم بزرگی در راه رفع تحریم‌های اقتصادی امیدوار کرد. این نخستین قدم حزب‌الله برای رفع مشکلات اقتصادی مردم لبنان بود.

دومین قدم، حضور برگ حزب‌الله در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ و درخواست سید حسن نصرالله از دولت برای استخراج نفت و گاز از میادین دریایی بود. دبیرکل حزب‌الله در سخنرانی‌های متعدد قبل از انتخابات گفته بود به دنبال استخراج گاز و نفت از میادین دریایی هستیم تا مشکل سوخت مردم لبنان حل شود و ملت این کشور بتوانند در رفاه زندگی کنند. سید حسن نصرالله به لحاظ سیاسی و اجتماعی تحولاتی ایجاد کرد از خود وجهه‌ای کاملاً مطلوبی ارائه داد. این دوره، حزب‌الله را به عنوان نیرویی که نه تنها امور نظامی بلکه ثبات سیاسی و اقتصادی لبنان را تقویت می‌کند، تثبیت کرد.

الله‌کرم مشتاقی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

عقلانیت انقلابی در نگاه تمدن‌سازسید حسن

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

سیدحسن نصرالله تنها یک چهره کلیدی برای محور مقاومت نبود. اثرگذاری او روی مردم لبنان و محبوبیت بالای او در کشور کوچک و متکثر لبنان، وحدت و یکپارچگی را برای این کشور به همراه آورد. سیدحسن نصرالله علاوه بر آنکه حامی جدی برای محور مقاومت بود، نقش مؤثری هم در تقویت جهان شیعه در منطقه و در سطحی کلان‌تر، تقویت جایگاه اسلام در جهان داشت. او را می‌توان یکی از سنوی‌های فکری در جهان اسلام دانست که نقشی تمدن‌سازبه عهده داشته است. در گفت‌وگو با الله‌کرم مشتاقی، دبیلمات سابق ایران در لبنان، به ویژگی‌های شخصیتی او و جنس روابط ایران و حزب‌الله پرداختیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

سیدحسن معتقد بود ما یک گام تا جهانی شدن تمدن اسلامی فاصله داریم

سیدحسن نصرالله جدای از آنکه رهبری کاریزماتیک در لبنان و محور مقاومت به‌شمار می‌رفت، شخصیتی تمدن‌ساز در جهان اسلام بود. الله‌کرم مشتاقی در توضیح این ویژگی شخصیتی سیدحسن نصرالله گفت: «اگر فصل نوین تمدن اسلامی را در عصر حاضر به چهار فصل تقسیم کنیم، عبارتند از دوران تضعیج اگر از اواخر قرن ۱۵ میلادی با تلاش‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی و علمای بزرگ اسلامی و ایرانی و عربی شکل گرفت که ما از این مرحله عبور کردیم. مرحله بعد، دوران تأسیس است که البته دوران تأسیس فصل نوین تمدن اسلامی منظور است؛ چراکه پیش از این تمدن‌های اسلامی، در سده‌های مختلف بعد از ظهور اسلام رشد کردند. این مرحله از نگاه سیدحسن نصرالله با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده است. از نگاه سیدحسن ما در مرحله سوم تمدن نوین اسلامی بودیم، یعنی مرحله تثبیت. یک مرحله قبل از مرحله ترویج و جهانی شدن. به گمان من سیدحسن باور داشت که